



من نمی‌دانم یحیی بهتر است یا دایی و قلعه‌نویی، فدراسیون تصمیم‌گیرنده است

برانکو: از چین و قطر پیشنهاد دارم

بیانیه ماتأثیر خودش را گذاشت

ذوالفقارنسب: دایی دورنگ‌تر شده و قلعه‌نویی باتجربه‌تر



دیدار حساس والیبال برای رسیدن به فینال دو قدم مانده به دومین المپیک

سرمقاله
<div>فرهاد کاسی‌زاد</div>
<div><div></div>این بلبشو محصول تازه فوتبال ایران نیست</div>
<p>لازم نبود مارک ویلموتس از تیم ملی برود، آندره‌آ استراماچونی قرار داشت با استقلال یا یکطرفه‌فسخ کند و برای کالدرون ساعت‌شمار جدایی از پرسپولیس را به کار بیندازیم تا بدلیتم که فوتبال ایران به تغییر رفتار و تغییر رویکرد در مسافت اقتصادی نیاز دارد.</p> <p>روند فدراسیون فوتبال و باشگاه‌داری در ایران از سال‌ها پیش به سمتی می‌رفت که نتیجه‌های جزور شکستگی و بی‌اعتباری نداشت اما بودجه‌های پاد آورده، پیامک‌بازی با هواداران و کسب درآمد از تلفن همراه هواداران راه‌نجاتی مقطعی برای فوتبال ایران بود که نمی‌توانست همیشه بحران‌های مالی را حل کند. باشگاه‌ها در ایران مسیری عجیب را به سرعت طی می‌کردند و حجم بدهی‌ها بی‌تعهد بودن باشگاه‌ها نشان می‌داد که اعتباری باقی نخواهد ماند و همکاری با مربیان و بازیکنان خارجی دیگر ممکن نیست.</p> <p>از سال‌ها پیش بزرگ‌ترین باشگاه‌های ایران در پرداخت مطالبات بازیکنان و مربیان خود تعهدی نداشتند اما فدراسیون فوتبال به انبار پرورنده‌های مالی خاک‌خوره تبدیل شد و باشگاه‌های بدکار را از نقل و انتقالات منع نمی‌کرد و آنها مجبور به پرداخت بدهی‌ها نمی‌شدند. نگاه غلط فدراسیون فوتبال این بود که با مناسبات به باشگاه‌ها کمک می‌کند اما کمک‌ها منجر به تکرار رفتار باشگاه‌ها شد و نتیجه‌اش همین بلبشوی مالی در فوتبال ایران است.</p> <p>دروغ‌هایی که استراماچونی و کالدرون را خیرتر زده می‌کنند، برای باشگاه‌های ایرانی نقل و نبات است، چون باشگاه‌ها عادت دارند که به طلبکاران وعده بدهند و پای حرف خود نایستند.</p> <p>آنچه امروز به بحران استقلال و پرسپولیس در قرا دارد پاسر مربیان خارجی تبدیل شده و فدراسیون فوتبال را نیز به انتخاب سرمربی ایرانی سوق داده، نتیجه رفتار فدراسیون و باشگاه‌هاست، باشگاه‌ها همیشه خیال کردند که می‌توانند با توجیه رفتارهای خود مقابل هر قرا دادی بی‌تعهد باشند اما استراماچونی و کالدرون خیلی ساده نشان دادند که مقابل این بازی باشگاه‌ها می‌ایستند و بعد خسلات هم در یافت عادات فوتبال ایران است و نتیجه‌اش همین بی‌تعهدی‌هاست. دریافت می‌کنند، به اینکه در صدی از قرا راداشان پرداخت نشود عادت کرده‌اند و با مباحثی از بخشش مطالبات خود را نزد هواداران محبوب می‌کنند، در حالی که این ابتدای امضای قرا رادادهای چند میلیاردی می‌داندند که در صدی از آن هرگز پرداخت نمی‌شود. این روند غیر حرف‌های در باشگاه‌های ایرانی که می‌تواند به فساد مالی منجر شود، باز در عادات فوتبال ایران است و نتیجه‌اش همین بی‌تعهدی‌هاست.</p> <p>فوتبال ایران در همین روزهایی که قرا راداش با مربیان خارجی فسخ می‌شود و خسارت‌های بزرگ را نیز باید در آینده نزدیک پرداخت کند، باز هم چندان برای تغییر رفتار آماده نیست و همچنان همان مسیر پیشین را طی می‌کند. باشگاه‌ها نه خیال تغییر مدیریت و تغییر مسیر دارند و نه می‌خواهند سیاق دیگری داشته باشند همچنان توجیه اتفاقات و درس نگرفتن از آنها ایجاب است.</p> <p>به تغییر مسیر را با هواداران در میان بگذارد، عاجز ند، صاحب اعتبار لازم برای گفت و گو با هواداران نیستند و مهم‌ترین تصمیمات ارمان موحی از انتقادات می‌گیرند و این منجر به دور شدن بیشتر هواداران و باشگاه‌ها خواهد شد. مربیان ایرانی جانشین نیز در اوج بی‌اعتباری جانشین مربیان خارجی می‌شوند و نمی‌توانند رابطه‌ای سالم با هواداران برقرار کنند. این فضا برای فوتبال یک دور شکستگی بزرگ است. فوتبال بدون حفظ هواداران معنای خود را از دست می‌دهد.</p>

چه کسی در استقلال راضی است؟

حمید رضا عرب

Hamidreza Arab

در هفته‌ای که گذشت استقلال ۳ استعفا را به خود دید.
اولی ستار مهدانی که خودش بود مجیدی نمی‌خواهدش و دومی بهرام امیری، معاون نقل و انتقالاتی، سومین خیر آغشته به استعفا بعد از مربوط به فرهاد مجیدی بود که باشگاه استقلال با بیانیه‌ای نرم و کوتاه تکذیبش کرد و هیچ موضع‌گیری هم دربارۀ آملان نشر چنین خبری نداشت.
استقلال با این سیاقی که در آستانه نیم فصل دوم شروع کرده هیچ نقطه روشنی را برابرامان تصویر نمی‌کند.
دایره ابهام‌ها و تردیدها به‌گونه‌ای است که با ابتدای فصل برابر می‌کند.
روزهایی که وضعیت زمین ثمرین مشخص نبود، مطالبات استراماچونی مانده بود و اما و اگر‌هایی

از این دست.
احتمال جدایی امیرحسین فتحی نیز از همان روزهای آغازین شنیده می‌شد و هیچ امیدي به تداوم این شخص با استقلال تا انتهای فصل نبود.
آنچه امروز در استقلال مشاهده می‌کنیم بیانگر یک ناراضیانی عمومی است که به همه بخش‌های این باشگاه سرایت کرده است.
حالا بعد از یک بازی رسمی، می‌توان ارزیابی بهتری از تیمی که حمید استیلی هدایت می‌کند، داشت.
استیلی از در دوره کرناچار و فرهاد مجیدی مدیر این تیم بود، تفکراتی متفاوت نسبت به در مری قبلی دارد.
او تیمی را به زمین می‌فرستد که از لحاظ «توان بدنی» در وضعیت مطلوبی است، در شرایط طبیعی



خبر مهم وزیر ورزش پس از دیدار با اینفانتینو

انتخابات در کوتاه‌ترین زمان ممکن برگزار می‌شود



بعد از گل‌زنی طرف شیجاعی رفتم تا تاراجتی گل در دهش را از دلش در آورم

دهقانسی:مقابل‌کره راحت‌تر بازی می‌کنیم

عکس سہیل سدا شنید

نقاط تاریک و روشن تیم امید

تکنیک‌شان می‌توانند در واژه هر حرفی را به خطر بیندازند. البته این ناهاهنگی‌ها در شروع تورنمنت و با توجه حساسیت بازی طبیعی بود و این امید وجود دارد که تیم استیلی در دو بازی بعدی مرحله گروهی عملکرد بهتری داشته باشد.
با برد کره جنوبی و برتری نسبی این تیم مقابل چین، می‌توان پیش‌بینی کرد که احتمالاً قایت صعود بین این تیم و ایران و ازبکستان باشد. تیم امید یکشنبه در بازی دوم با کره روبرو می‌شود و برد در این بازی بخت صعود را خیلی بالا می‌برد، ولی با یک امتیاز هم سر نوشت صعود همچنان در اختیار خودمان خواهد بود، چرا که احتمال ایران ازبکستان مقابل چین بیشتر است و در این صورت در روز رور باید مقابل چین حذف شده بازی کنیم. بدون توجه به نتیجه بازی چین و ازبکستان هم به نظر می‌رسد پنج امتیاز برای صعود کفایت کند و با این حساب تساوی مقابل کره جنوبی نمی‌تواند نتیجه بدی باشد.

البته شکست دادن امید کره جنوبی برای شاگردان استیلی دور از دسترس نیست و اگر برخی از اشکالات بازی اول بر طرف شود، می‌توانیم به گرفتن سه امتیاز بازی یکشنبه امیدوار باشیم.

آنچه می‌توانند در ادامه مسیر به کمک تیم امید بیاورند این است که بازیکنان کلیدی و باناجر به فشار هجومی یعنی محبی، صیادمنش، قانلی و شسکاری در حد نا نشان باشند و نقش سر نوشت‌سازی که از آنها انتظار می‌ود را به عهده بگیرند. هر چهار بازیکن مقابل ازبکستان پر تلاش بودند، ولی باید بدانند که موفقیت و صعود این تیم تنها در گرو گل زدن و گل ساختن آنهاست.

از نتیجه بازی که بگذریم، نمایان تیم امید مقابل امید ازبکستان در خشان نبود، ولی می‌توان به تیم استیلی برای اولین بازی اش در تورنمنت نمره قبولی داد. مهم‌ترین ویژگی این تیم نظمی بود که در ساختار دفاعی داشت و موفقیت‌های خیلی کمی به ازبکستان داد. این استحکام به قیمت انتقال نور افکن به قلب دفاع به دست آمد و در مقابل خط میانی از باز بسازی و تجربه او محروم شد. نور افکن در این فصل یکی از موثر ترین بازیکنان سپاهیان و لیگ بر بود و البته توانسته خودش را به عنوان یک گلزن در لحظات کلیدی نشان بدهد. بسا این حال کادر فنی در غیاب مدافعان میانی مطمئن تصمیم گرفته او را یک خط عقب تر ببرد و باید دید این تصمیم کلیدی در نهایت چه نتیجه‌ای خواهد داشت.

مشکل اصلی تیم امید در گردش توپ و طراحی حملات بود و پرس ازبکستان اجازه باز بسازی را گرفته بود. اگر بازی در نیمه اول تقریباً متعادل بود، از یک‌ها پس از گل تساوی کنترل بیشتری بر میانه زمین داشتند و مالکیت ۶۴ درصدی‌شان هم به عنوان یک گلزن در لحظات کلیدی نشان شده. بسا این حال کادر فنی در غیاب ضد حملات خوبی داشت و فرصت داشت حریف را غافلگیر کند. البته در این ضد حملات هم به هماهنگی بیشتری نیاز داریم و به نظر می‌رسد باز یکنان برای استفاده از فضاهای خالی عمق دفاع حریف چندان توجیه نیستند. دو فرصت گل طلایی تیم امید روی فراز های انفرادی ویلند صیادمنش به دست آمد و در این صحنه‌ها خبری از حر کات ترکیبی نبود. اگر کادر فنی نتواند روی هماهنگی بیشتر مثلث شسکاری، صیادمنش و قانلی کار کند، آنها در ادامه تورنمنت روی سرعت و



آرمن ساروخانیان

اگر پیش از بازی امید ایران با امید ازبکستان گفته می‌شد که قرار است به تساوی برسیم، کمتر کسی ناراحت یا معترض می‌شد. امید ازبکستان فرمان دوره قبل امیدهای آسیاست و حدود سه ماه پیش توانست در دو بازی دو ستانه متوالی امید ایران را شکست دهد. با این حال اکثر کسانی که بازی را تماشا کردند، حسرت می‌خوردند که چرا نتوانستیم به هر سه امتیاز بازی برسیم.

اتفاقات مهم بازی، به‌خصوص دو فرصت در خشانی که مهاجمان تیم امید مقابل دروازه حریف از دست دادند، این حس را به وجود آورده که می‌توانستیم برنده این بازی باشیم و گام بزرگی به سمت صعود از این گروه سخت برداریم.

شکست دادن ازبکستان سناریوی ایده‌آل برای شاگردان استیلی بود و روحیه آنها برای دوبازی بعدی را هم خیلی بالا می‌برد. با این حال تساوی از این بازی برای تیمی که تغییرات پر شماری روی نیمکت داشته و بدون تدارک کافی به تابلند رفته نتیجه مثبتی است و با همین یک امتیاز هم می‌توان یکی از دو تیم اول گروه C نام گرفت.



علی مغفانی

بازی عقب می‌نشیند و منتظر فرصتی برای «حمله سریع» و ضد حمله باقی می‌ماند. تیم ملی امید اصراری به حفظ مالکیت توپ و ارسال پاس‌های متعدد ندارد، همانطور که در بازی با ازبکستان با مالکیت کمتر از ۴۰ درصد، فقط کمی پیشتر از ۲۵۰ پاس رد و بدل کرد. یعنی تقریباً نصف تیم ازبکستان. اگر به آمار مراجعه کنیم، فاکتور «دقت پاس» هم در این تیم بسیار پایین است. ملی پوشان زیر ۲۳ سال ایران در اولین بازی مرحله گروهی، دقت پاس ۶۸ درصدی داشتند. در حالی که رقم پائینی است اما با همه این احوال و با همین مالکیت توپ کمتر، شاگردان استیلی در بازی با ازبکستان تقریباً ۲ برابر حریف، موفقیت اشکار گل ساختند. این باشگاه سرایت کرده است. از بخش دفاعی به بازی در راه و به طور کلی، تیمی که خیلی‌ها نسبت به آن ناامید و بدبین بودند و تصور می‌کردند هیچ شانس برای صعود به مرحله بعدی ندارد، لاف‌لزد در اولین بازی امیدوار کننده‌تر از ارزیابی‌های اولیه بود و حالا می‌توان بخت‌هایی برای موفقیت این تیم هم قائل بود. در ترکیب اصلی تیم ملی، از شکستی

بزرگ که بیرون ماندن مهدی قانلی از ترکیب ۱۱ نفره بود بگذریم، یکی از عجیب‌ترین اتفاقات، بسازی کردن تقریباً نیمی از نفرات تیم در پست‌های غیر تخصصی است. امید نورافکن که مدت‌هاست در پست هافبک دفاعی به میدان می‌رود، در تیم امید تبدیل به مدافع وسط شده. مهدی خانی که یک مهاجم است، در پست هافبک دفاعی به بازی در می‌آید می‌شود و دهقانی دیگر هافبک دفاعی امیدها هم در تیم باشگاهی اش نساجی، وینگر یک مهاجم است. خط جلوتر، رضا شسکاری که به عنوان یک هافبک پست‌های وسط، در پست هافبک هجومی پشت تنها مهاجم (اللهیار صیادمنش) به بازی گرفته می‌شود. این استفاده از بازیکنان در پست‌های غیر تخصصی شاید یک نوع اجبار برای حمید استیلی باشد که در خیمن، پیشتر از هر پست دیگری مهاجم دارد. اما این را هم نمی‌توان نادیده گرفت که بازیکنی که هنوز به سن ۲۳ سالگی نرسیده، فاقد تجربه و بینش استی که در یک تورنمنت مهم در پست غیر تخصصی بتواند همان کیفیت را بروز دهد.

استقلال وارد ساخته است. ناراضیاتی فرهاد مجیدی از خریدها نیز گویای عمل نشدن به وعده‌ها است اما تهدیدکننده‌ترین بخش جایی است که ظرفیت وارد آوردن بیشترین لطمه را به باشگاه استقلال دارد. از لایه‌ای حرف‌های بازیکنان استقلال نیز به وضوح می‌تواند دید که آنها نیز از اوضاع مالی خود در باشگاه راضی نیستند. در واقع استقلال در دایره‌ای از شک و تردیدها و ناراضیاتی‌ها گیر افتاده و انکار بنای تغییر آن از سوسی تصمیم‌گیران باشگاه نیز وجود ندارد و یا اینکه نقل قول‌ها و تصویرسازی‌هایی که برای تصمیم‌سازان استقلال در بخش کلان و می‌شود اساساً چیزهایی است که فرستگاه‌ها در واقعیت فاصله دارند.

دارد. بعد از اعتراض‌های گسترده به حال و روز استقلال از سوی هوادانش اما پیش‌بینی می‌شد رویه تیم‌داری تغییر کند اما استفاده‌های اخیر و اعصاب‌های نصف و نیمه بازیکنان و تأخیر در محل تمرین نشان می‌دهد که استقلال همان است که بود و همه این عزل و نصب‌ها تا امروز کمتر اثری در شیوه اداره این باشگاه نداشته است.

تکمله، درباره اثر گذاری اعضای هیأت مدیره و رضایت آنها از همکاری با استقلال نیز اخبار خوشایندی به گوش نمی‌رسد و همین حالا ۳ عضو برای ادامه کار در این باشگاه عمیقاً تردید می‌کنند.



شوگ روز

خبر عجیب مهاجرت و راه‌های پیش روی علیزاده سکوت کیمیا

احسان محمدی

Ehsan Mohammadi

«من از تو می‌تویسم و این کیمیا که است»*

در روزهایی که نیاز داریم شانه بدهیم به شانه هم برای عبور از این روزهای دشوار، در روزهایی که می‌بینیم تنها دارایی هم در این دنیای شلوغ هستیم، در روزهایی که باید تکیه‌گاه هم باشیم، همین یک خبر تلخ را کم داشتیم. اینکه «کیمیا علیزاده» مهاجرت کند بعد در المپیک ۲۰۲۰ نگاشش کنیم که پرچم ایران کنار نامش نیست.

مدال برنز او در المپیک ۲۰۱۶ طلایی‌ترین مدال برنزی نبود که در طول تاریخ المپیک گرفته‌ایم. افرات نیست، اصلاً یادتان می‌آید آخرین باری که برای دیدن مسابقه دختر ورزشکاری از این سرزمین تا چهار صبح بیدار مانده‌ید به کدام قرن تعلق دارد؟

وقتی مدال گرفت این جمله هزار بار دست به دست شد: «هر ضربه‌ای که زدی، پاسخی بود به جمله تحقیر آمیز؛ چون تو دختری»، دخترها از این موفقیت بی‌نهایت خوشحال شدند. انگار که او به جای همه آنها و برای اثبات توانایی‌شان مبارزه کرده بود، مدال آورده بود. او جاده خیلی‌ای از دختری را اصفاف کرد. عکسش را زدنند روی دیوار اتاق‌شان مجوزی شد که دخترها هم بروند سریع ورزش.

رئیس‌جمهور «حسن روحانی» در پیامی که کمتر نمونه آن را دیده‌دویم، نوشت: «دخترم کیمیا، همه مردم به‌ویژه بانسوان ایران زمین را شاد کردی؛ شادی همیشگی را برایت آرزو مند». روحانی یک پسر و سه دختر دارد. شاید به واسطه همین از واژه «دخترم» استفاده کرد. «کیمیا» شد دختر همه خانواده‌های ایرانی، حتی رئیس‌جمهوری!

وقتی رفت المپیک بعضی اعزام بانوان به مسابقات بزرگ را «رئست‌المجلس» لقب دادند و عنوان کردند که جمهوری اسلامی ایران سعی می‌کند تصویری روشن و اغراق آمیز از خود به دنیا معرفی کند. کیمیا فضا را عوض کرد. آن‌هم در کشوری که برخی از صاحبان فصولاً ورزش زنان را به رسمیت نمی‌شناسند و آن را فعالیتانی نه چندان شایسته می‌دانند و می‌گویند اصلاً زن را چه به لگد پرت کردن، بنشینند سر زندگی‌اش. آشپزخانه را گرم نگه دارد و «شیر» بزیابد!

کیمیا علیزاده جوان‌ترین مدال‌آور تاریخ ایران در المپیک است. پیش از کیمیا ۶۴ سال پیش «ناصر گیوه‌چی» ۱۹ ساله در المپیک هلستینیکی مدال نقر گرفته بود و حالا کیمیا ۱۸ ساله مدال برنز کیمیا علیزاده به اندازه گل «خندان‌اد عزیزی» به استرالیا دلچسپ بود اما کیمیا متولد ۱۳۷۷ است. یعنی یک سال بعد از بازی ایران – استرالیا به دنیا آمده‌ا از نسل جدیدی که جلاک و باهوش از راه رسیده‌اند و سخت است در شیشه نگه‌شان داشت!

وقتی مدال گرفت «ترانه علیدوستی» که خودش در خانه‌اده‌ای ورزشی و افتخار‌فرین به دنیا آمده مدتی در «تازه دوره‌های بعد معلوم می‌شه برای هم‌ناتان چه کردی؛ بهشون اعتماد به نفس دادی و فمونسدای این تره صحنه اون‌ها هم هست.» کوتاه و گویا!

... حالا همه اینها را با فعل ماضی می‌تویسم. مثل افسانه‌ای مربوط به کتاب‌ها، قصه‌ها برای خواندند دخترچه‌هایی که به جز «شنل قرمزی» و «سیندرلا» و «سفید برفی» دنبال یک قهرمان می‌گردند که بوی ایران هم بدهد. کیمیا علیزاده مهاجرت کرد، او حق دارد به عنوان یک استیلا برای آینده زندگی‌اش تصمیم بگیرد اما انگار یک «جان» از ما کم شد. از ما که دوستان داریم و او را دختر ایران می‌دانیم حتی اگر با پرچم دیگری به میدان برود. سال‌ها مهاجرت مغزهای دانشگاهی انکار شد، بعد آن را ناچیز عنوان کردند و حالا مهاجرت تخبه‌های ورزشی گزنده است. تلخ‌ترین قسمت ماجرا همین است که جای آنها خالی است و گزنه دختران دیگری از او می‌روند و چه‌سپا به جای برنز، با طلا نگرند.

«مصرعی از استاد محمدعلی بهمنی

